

حقوق رسانه، آزادی بیان و حقوق بشر

اکبر رستمی خوراسگانی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی،

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، ایران

akbar.rostamii4660@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به منظور تبیین رابطه حقوق رسانه و حقوق بشر و شناسایی الزامات، موانع و ضرورت‌های آن انجام شد. بر این اساس با مطالعه اسناد و منابع موجود، مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی و میثاق نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر، اصول مرتبط با حقوق رسانه و آزادی بیان در قانون اساسی ایران بررسی شد. در این زمینه از جمله ضروریات و الزامات حقوق رسانه شامل: جامعیت میان حقوق و حدود؛ عمومیت و رسانه‌محوری؛ تأکید بر نظارت‌های صنفی و مدنی، و رعایت اصول قانون‌نویسی عنوان و مهمترین موانع آزادی بیان در رسانه‌ها در چهار دسته بندی شامل: ساختار سازمانی؛ محدودیت منابع مالی؛ مشکلات سخت‌افزاری؛ و دخالت دولت در اخبار رسانه‌ها بیان شد. بر اساس یافته‌ها، هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم در سیره پیامبر اسلام (ص) و حضرت علی (ع) همواره حق آزادی بیان برای مردم به رسمیت شناخته شده و بالتبع این حق برای رسانه‌ها به عنوان نمایندگان افکار عمومی و رکن چهارم دموکراسی که ناظر بر سایر ارکان جامعه مدنی هستند، وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: رسانه، حقوق رسانه، حقوق ارتباطات، حقوق بشر، آزادی بیان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

حقوق رسانه‌ها دیگر اصطلاحی ناشناخته نیست. همه کسانی که در رسانه‌ها به فعالیت حرف‌های مشغول هستند، پذیرفته اند که باید در چارچوب ضوابطی حرکت کنند که قانونگذاران ترسیم کرده‌اند.

در یک جامعه دموکراتیک، مردم نقش مهمی در اداره جامعه برعهده دارد و اگر بخواهیم فعالیتی را در جامعه انجام دهیم بدون جلب رضایت مردم امکان پذیر نیست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتخاب جمهوری اسلامی بعنوان نظام حکومتی و اداره کشور اولین انتخاباتی بود که برگزار شده و مردم با مشارکتی بالا در آن شرکت داشتند. بعد از آنهم انتخابات قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرگان و ریاست جمهوری تابحال برگزار گردیده است که باتوجه به نوپا بودن انقلاب و مردم سالاری دینی در کشورمان درصد مشارکت مردم نسبت به کشور های غربی که مدت‌هاست دموکراسی را تمرین می‌کنند به مراتب بیشتر است.

رسانه های جمعی در رونق بخشیدن به انتخابات نقش بسزایی دارند. رسانه‌ها می‌توانند آراء و نیاز های واقعی مردم را دسته بندی کرده و منعکس نمایند تا هم مسئولین از خواست عموم مطلع شده و سیاست های کشور را برآن اساس تنظیم و اجرا نمایند و هم مردم یقین کنند که آراء آنها به درستی به مسئولین منتقل شده است و از جهتی دیگر رسانه‌ها می‌توانند چهره های مردمی و مومن را به مردم معرفی کنند و همچنین عملکرد مسئولین را نقد منصفانه نمایند تا مردم در انتخابشان واقع بین بود و اسیر تبلیغات کاذب نشوند در این میان انتقال اطلاعات اگر به درستی انجام نشود نتیجه سوء خواهد داشت.

احکامی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درخصوص نظم عمومی و امنیت ملی بوده و رسانه‌ها ملزم به رعایت آن هستند، بر دو نوع است؛ احکام عام و احکام خاص. مقصود از احکام عام اصولی از قانون اساسی است که رعایت حدود مربوط به امنیت عمومی را برای همه نهادهای حکومتی و مدنی و حتی یکایک شهروندان الزامی کرده است و طبیعتاً شامل رسانه‌ها نیز می‌شود.

اصول مرتبط با حقوق رسانه و آزادی بیان در قانون اساسی

شاید بنیادی‌ترین این اصول، اصل نهم است که طبق آن: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است». این اصل در ادامه تأکید می‌کند که «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت

ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند...». شمول این قاعده نسبت به رسانه‌هایی که ممکن است به نام استفاده از آزادی بیان یا مطبوعات و یا مانند آن به استقلال و تمامیت ارضی کشور خدشه وارد کنند، نیازی به توضیح ندارد.

اصول ۲۲ و ۲۵ نیز به ترتیب حفظ و احترام به امنیت فردی و مصونیت ارتباطات خصوصی شهروندان را برای همگان واجب شمرده و لذا رسانه‌ها، جز در مواردی که قانون تجویز کند، حق تعرض به «حیثیت، جان، مال، حقوق» و یا افشای پیام‌های شخصی شهروندان را ندارند. اصل ۲۶ فعالیت رسانه‌ای (اطلاع رسانی) و یا هر فعالیت دیگر برای «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و ...» را مشروط به آن کرده است که «اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند.» جالب توجه اینکه حتی در انتشار مذاکرات نمایندگان مردم نیز باید مسائل امنیتی را لحاظ کرد.

با اینکه اصل ۶۹ مقرر کرده است که اصولاً «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود»، بلافاصله و به عنوان تنها استثنای آن تأکید کرده است «در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود» و طبیعتاً درج اخبار و مذاکرات آن ممنوع خواهد بود. البته به منظور حفظ حقوق ملت «گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.»

اصل ۱۶۵ نیز شبیه همین محدودیت را برای رسانه‌ها در حوزه قوه قضائیه ایجاد کرده است. به موجب این اصل، به رغم اینکه همه «محاکمات، علنی انجام می‌شود»، تصریح شده است که «منافی عفت عمومی یا نظم عمومی» بودن جریانی که محاکمه موجب غیرعلنی شدن آن خواهد شد و بنابراین رسانه‌ها از حق حضور یا اطلاع‌رسانی درباره آن محروم هستند. همه آنچه گفته شد محدودیت آزادی بیان رسانه‌ها در شرایط معمولی است.

افزون بر این‌ها، طبق حکم کلی اصل ۷۹ «در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید...». وجه بارز این «محدودیت‌های ضروری»، الزاماتی است که برای حفظ نظم اجتماعی بر مطبوعات و سایر رسانه‌های ارتباط جمعی تحمیل می‌شود و البته تاکنون، حتی در اوج جنگ تحمیلی با عراق، از این اختیار قانونی استفاده نشده است. ب - احکام خاص قانونی اساسی، افزون بر احکام عامی که به آن اشاره شد، در دو اصل به طور خاص رسانه‌ها را از بی‌توجهی به «مصالح کشور» و اخلال در «حقوق عمومی» برحذر داشته است. طبق اصل ۲۴ «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند.

تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» مقصود از «حقوق عمومی»، هر چه باشد، یقیناً امنیت و آسایش همگانی را دربر می‌گیرد.

مواردی هم که در قوانین عادی به عنوان تفصیل آن بیان شده است، به روشنی مبتنی بر همین واقعیت است. بالاتر اینکه حتی اخلال به مبانی اسلام را نیز می‌توان در کشور، مصداق آشفته کردن جامعه، جریحه‌دار ساختن احساسات عمومی و تحریک مردم تلقی کرد؛ اموری که مجموعاً تهدید جدی برای امنیت محسوب می‌شود.

اصل ۱۷۵ نیز مشابه همین مضمون را برای رسانه ملی، یعنی صدا و سیما، تکرار کرده است: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.» از تلفیق این دو اصل به آسانی می‌توان نتیجه گرفت که رعایت امنیت ملی مرز فعالیت رسان‌های است و احترام به عقاید دینی مردم از مصداق‌های روشن آن است. البته این عناوین، کلی و نیازمند تبیین در قوانینی است که مراجع عادی به تصویب می‌رسانند.

به همین دلیل ذیل اصل ۲۴ تأکید کرده است که «تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» در نظام حقوقی کنونی ماده ۶ قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴) به طور خاص عهده‌دار این تکلیف است و در ۱۲ بند مصادیق اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی را تبیین کرده است. «یجاد اختلافات مابین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی»، «تحریض و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج»، «فاش نمودن و انتشار اسناد و دستور‌ها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی»، «پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران» و بالأخره «انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی» از محدودیت‌های فعالیت مطبوعاتی است که ارتباط آن با امنیت کشور آشکارتر است.

ماده ۲۵ همان قانون تأکید می‌کند: «هرکس به وسیله مطبوعات مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی برضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است، تحریض و تشویق نماید، در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم، و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع، براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.» مواد ۲۴ و ۲۹ قانون مطبوعات هم بر لزوم محاکمه و مجازات افشا و انتشار انواع اسناد و مطالب محرمانه تأکید می‌کند و این همه به آن دلیل است که رسالت رسانه‌ها، و از جمله مطبوعات، تلاش در جهت حفظ و تحکیم

آرامش جامعه است. «تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اқشار مختلف» مردم تن هایکی از پایه های انجام این وظیفه است که در ماده ۲ همان قانون مورد توجه قرار گرفته است؛ وگرنه اجتناب از دامن زدن به تنش های اجتماعی و هر آنچه منجر به نا امنی گردد، در همه فعالیت های رسان های ضروری است؛ حتی نقد و انتقاد و یا کسب و انتشار اخبار که از وظایف ذاتی و حرف های مطبوعات شناخته می شود مشروط به رعایت مصالح جامعه است. (مواد ۳ و ۵) به همین منظور طبق تبصره ۲ ماده ۵ قانون مذکور «مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است.» عامل حقوق و اخلاق در رسانه ها: حقوق رسانه ها دیگر اصطلاحی ناشناخته نیست.

قواعد حاضر متکی به این اصل است که مسئولیت تضمین رعایت واقعی اخلاق حرف های بر عهده کسانی است که دست اندر کار حرفه روزنامه نگاری هستند، نه دولت. هیچ یک از مفاد این قواعد به نحوی تفسیر نخواهد شد که باعث توجیه دخالت دولت به هر نحوی برای رعایت تعهدات اخلاقی مندرج در آن شود. «در نتیجه این گونه اقدام های جهانی است که «در حال حاضر انواع مقررات مربوط به اخلاق رسان های عملاً در شاخه های مختلف صنایع ارتباطات وجود دارد.

تدوین نظام نامه اخلاق حرفه ای در ایران با این که برخورداری از فرهنگ و معارف آسمانی اسلام و داشتن تمدنی بزرگ و پیشروانه ایجاب می کند که کشور ما، افزون بر رعایت اصول و موازین اخلاق حرفه ای، در معیار سازی، تبیین و تدوین نظام نامه های اخلاق رسانه ای پیشگام باشد، متأسفانه هنوز هم شاهد نتیجه در خور و شایسته های نیستیم؛ گرچه تلاش هایی نیز صورت گرفته است. رسانه ها و انتخابات رسانه ها جزء نهادهای مدنی بشمار می آیند و نقش مهمی در موفقیت پروسه های مدنی و دموکراتیک دارند.

رسانه ها صرف نقش مثبت در این پروسه ندارند، بلکه به همان میزانی که این نقش را دارند از نقش منفی هم برخوردار هستند. به عبارت دیگر می توان گفت که رسانه ها در این پروسه دو نقش متضاد دارند، یکی نقش اصلاحی و دیگری نقش تخریبی. در کشور های دموکراتیک و با ثبات از نقش اصلاحی رسانه ها بیشتر استفاده می شود، زیرا در این کشورها مردم از آگاهی های فراوانی در عرصه های مختلف برخوردار هستند. از سوی دیگر قوانین و اصولی که جوامع دموکراتیک توسط آن ها اداره می شود بر پایه واقعیت های عینی استوار است و زمینه برای عدول رسانه ها از این اصول فراهم نیست و اگر هم باشد مردم اجازه نمی دهند. در این کشور ها منافع ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی و سایر ارزش ها تعاریف مشخص دارند و کوشش می شود از همه ابزارها و نهادها در راستا تقویت همین مسائل استفاده شود. اما در کشور های توسعه نیافته از نقش تخریبی رسانه ها بیشتر استفاده صورت می گیرد. در

کشورهای نامبرده بدلیل فقدان بسیاری از امکانات زندگی مدنی و رفاهی، از ابزار های مدنی استفاده مطلوب نمی شود. در این کشور ها معمولاً نظام های بسته حاکم هستند. از سوی دیگر در کشور های عقب مانده و یا به عبارتی دیگر عقب گذاشته شده آگاهی مردم نسبت به مسائل مهم کشوری و جهانی کم است. این امر نیز باعث می شود که برخی از نهادها و شخصیتها برای رسیدن به اهداف مشروع و یا غیر مشروع، از ابزار های در دست داشته خود استفاده غیر موجه نمایند و در صدد تعریف واقعیت ها بر آیند.

البته در فعالیت های رسانه‌های کشور ما در این سال ها نواقصی هم بوده که نمی شود از کنار آن ها بی تفاوت گذشت. در جهان امروز اهمیت و جایگاه رسانه‌ها بر هیچکس پوشیده نیست. رسانه‌ها چنان در تار و پود زندگی بشر رخنه کرده‌اند که امروز زندگی بشر کاملاً به آن وابسته شده است. بسیاری از مردم بوسیله رسانه‌ها به زندگی خویش معنی می دهند. رسانه‌ها جزء نیازمندی‌های اولیه بشر امروز درآمده است. اگر دیروز انسان‌ها به آب و نان ضرورت داشتند، امروز تنها آب و نان نمی توانند نیازمندی‌های اولیه آنان را مرتفع بسازند. می توان گفت امروز رسانه‌های جز نیاز های اولیه بشمار می آیند. اهمیت رسانه‌ها برای انسان امروز کمتر از آب و غذا نیست. رسانه‌ها غذای فکری انسان امروز بشمار می آیند. رسانه‌ها سازنده واقعیت‌های موجود در جهان امروز می باشند.

رسانه‌ها در جهان امروز، جهان ذهنی و غیر واقعی را به دنیا مخابره می‌کنند. آن ها دیگر به وسایل انتقال واقعیت فکر نمی کنند بلکه خود سازنده ی واقعیت اند و با تکامل بشر پیوند مستقیم دارند. بشر تکامل و ترقی را همراه با رسانه‌ها آغاز کرد. هر قدر که بشر پیشرفت کرد وسایل ارتباط جمعی پیشرفت نمود و هر قدر که در آینده بشر پیشرفت کند، رسانه‌ها به همان پیمانانه به پیش می‌روند، لذا پیش رفتن جوامع بشری بدون رسانه‌ها امکان پذیر نیست. جوامعی که می خواهند به پیشرفت های تمدنی و تکنولوژی دست یابند باید بالای رسانه‌ها سرمایه گذاری نمایند و از ابزارهای رسانه‌ای به دقت استفاده نمایند. اهمیت رسانه‌ها به همان پیمانانه‌ای که در تکامل و پیشرفته ساختن جوامع بشری مهم اند در انحطاط جوامع هم مهم تلقی می شوند. اگر کشورهای توسعه نیافته بخواهند برای فردای خود کاری بکنند باید از تجربه کشور های غنی که از رسانه‌ها جهت رسیدن به اهداف بزرگ شان سود برده اند مستفید شوند. برای تکامل جوامع، محیط انسانی باید دگرگون شود. رسانه‌های محیط ها را دگرگون می سازند. تا زمانی که محیط ایستا دگرگون نشود پیشرفت همه گانی اهل آن محیط مسیر نمی شود. رسانه‌ها سازنده ی محیط هستند. محیطی که رسانه‌ها ایجاد می کنند ثابت نیست بلکه پویا است و وارد ذهن آدمی می شود. تصویری را باقی می گذارد که فرد هیچگاه فراموش نمی کند.

رسانه‌ها توسعه دهنده جوامع بشری بوده و خواهند بود، به تجربه ثابت شده است که رسانه‌ها می‌توانند در توسعه جوامع نقش مهمی را ایفا نمایند به شرطی که محتوای رسانه‌ها با شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه مد نظر همخوانی داشته باشند.

حقوق رسانه

حقوق رسانه‌ها شاخه‌ای جدید از علم حقوق است که با توجه به نوپا بودن، در حال طی کردن مراحل تکاملی خود است. از آنجا که رسانه‌ها نقش مهمی در تحول آفرینی جوامع در حال توسعه دارند، این رشته از حقوق قابل توجه مدیران فرهنگی و قانون‌گذاران این کشورها قرار گرفته است.

حقوق رسانه به معنی مجموعه مقررات و قوانینی است که بر رسانه‌ها و افراد وابسته به آن حکومت می‌کنند. این حقوق دارای دامنه وسیعی است و ابعاد نشریات مکتوب و رسانه‌های فعال در فضای مجازی را نیز در بر می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۸۷).

حقوق رسانه حوزه‌ای بین رشته‌ای درباره حقوق، آزادی‌ها و قواعد حقوقی ارتباط جمعی و مبتنی بر دو حوزه ارتباطات و حقوق است.

از بعد رشته ارتباطات می‌توان به انواع مباحث مدیریت رسانه، خبرنگاری، روابط عمومی، روابط بین‌الملل و تبلیغات و از بعد رشته حقوق می‌توان به انواع مباحث حقوق عمومی (اساسی، اداری)، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، حقوق خصوصی و حقوق کیفری اشاره کرد (قاسمی و فنازاد، ۱۳۹۷: ۲۰).

در بخش‌هایی از برنامه چهارم و پنجم توسعه ایران نیز به مبحث حقوق رسانه‌ها پرداخته شده که در آن، ضمن به رسمیت شناختن تأثیر انواع رسانه‌های مکتوب و مجازی بر روند توسعه ملی، به راهکارهای کنترل و نظارت بر آن نیز اشاره شده است (آبتین، ۱۳۹۵).

امروزه رسانه‌های دیداری و نوشتاری، منابع عمده آفرینش و پویایی فرهنگ به شمار می‌روند. قدرت و توان این ابزارهای فکری به حدی است که بدون حضور آنها تکوین جامعه‌ای با فرهنگ محال است. چشم انداز مطالعاتی مردم هر جامعه خود ریشه در اطلاعاتی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌دارند، در این مورد می‌توان بیان داشت که سپهر رسانه‌ها می‌تواند شفاف، تاریک یا مبهم باشد. رسانه‌های دیداری و نوشتاری کارکرد امنیت‌ساز خواهند داشت و در ایجاد امنیت نقشی موثر و مفید ایفا خواهند نمود. تأکید بر نقش مثبت رسانه‌ها نباید ما را از تأثیر منفی آنها باز دارد.

آنگاه که رسانه‌ها در کارکرد منفی نقش وارونه بر عهده می‌گیرند، فضای اطلاعاتی جامعه را آلوده، مبهم و تاریک خواهند ساخت. قانون مطبوعات و قوانین مکمل آن از چند جهت یا

دچار ضعف است یا در اجرا با بی‌توجهی مواجه می‌شود. اول از همه نظام اخذ مجوز سلیقه‌ای عمل می‌کند و نسبت به تصمیماتش در برابر مراجع رسیدگی‌کننده پاسخگو نیست. هیات ناظر را هم نمی‌توان در مسائل سیاسی بی‌طرف ارزیابی کرد... با وجود واقعیات فوق، یک نکته مهم است و اینکه عوامل و پیشرفت‌های تکنولوژیک توانسته‌اند این مدارهای بسته را بشکنند. اینترنت، ماهواره، شبکه‌های تلفنی نظیر لاین، اینستاگرام و ... از این جمله هستند، ولی فراموش نکنیم که جامعه آزاد جامعه‌ای است که رسانه‌های رسمی آن آزادی عمل لازم را برای بیان آرا و عقاید و نظارت بر امور داشته باشند، زیرا انجام این وظیفه از سوی رسانه‌های غیررسمی عوارض ناخوشایندی دارد که ممکن است در مقطعی بدتر از وضعیت فقدان آزادی مطبوعات عمل کند (احمدی، ۱۳۹۴).

طبق قواعد فقه مقدس اسلام و بر اساس قواعد مسئولیت مدنی هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند و هر کسی به دیگری ضرری وارد می‌آورد باید آن را جبران کند، در این میان مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی چهره خاصی دارد و دارای آثار ویژه خود است و با توجه به نقش رسانه‌های همگانی در جوامع کنونی تحمیل مسئولیت بر آن‌ها باید متناسب با نقش بی‌بدیل آن‌ها باشد.

ضروریات و الزامات حقوق رسانه

اهمیت و جایگاه رسانه‌ها در جهان امروز بر هیچ‌کس پوشیده نیست. رسانه‌ها چنان در تار و پود زندگی بشر رخنه کرده است که امروز زندگی بشر کاملاً به آن وابسته شده است. بسیاری از مردم به‌وسیله رسانه‌ها به زندگی خویش معنی می‌دهند. تصور کنید اگر در دنیای امروز رسانه‌ها نباشند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر چنین فرض شود دوباره میان بشر فاصله‌های عمیقی ایجاد می‌گردد و دنیای علم، فرهنگ و تکنولوژی فرسنگ‌ها به عقب بر خواهد گشت. امروزه یکی از ویژگی‌های مهمی که برای توسعه‌یافتگی جوامع در نظر گرفته می‌شود میزان استفاده از رسانه‌ها است. همین رسانه‌ها است که نظام‌های حکومتی را تقویت می‌کنند یا از بین می‌برند، به همین سبب است که رسانه‌ها را قوه چهارم حکومت نامیده‌اند. حقوق رسانه‌ها در برگیرنده قواعد مربوط به رسانه‌های سنتی و ارتباطات چهره به چهره نمی‌شود. از سوی دیگر از میان معانی گوناگون برای واژه حقوق می‌توان به مجموعه مقرراتی که بر اشخاص به این دلیل که در اجتماع هستند حکومت می‌کند یا امتیازها و توانایی‌های خاصی که قانون به منظور تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماعی بر حرف قائل است اشاره کرد. بر همین مبنا تعریف حقوق رسانه‌ها بدین صورت خواهد بود: «مجموعه مقررات و قوانینی که بر رسانه‌ها و افراد وابسته به آن حکومت می‌کند».

بر اساس تحلیل قوانین موجود بررسی تجزیه‌های علمی و نتایج مطالعات شخصی در قانون‌گذاری کشورهای پیشرفته رعایت اصول ذیل در تدوین حقوق رسانه‌های ضروری است:

۱- جامعیت میان حقوق و حدود

هدف اصلی هر قانون تعیین توأمان حقوق و حدود است. فلسفه تدوین هر قانون تبیین آن است که مخاطبان چه می‌توانند و چه چیزی را نمی‌توانند مرتکب شوند. بخش اول که سلطه و توانایی‌ها را تبیین می‌کند حق و بخش دوم که مرزهای آزادی و استفاده از حق را تعیین می‌کند، حد یا تکلیف خوانده می‌شود. یافتن نقطه تعادل میان حقوق و حدود همان هنری است که از قانون‌گذاران انتظار می‌رود و قانون‌گذاران مطبوعات و رسانه‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. تدوین قانون مطبوعات در دوران گذار و بحران‌های اجتماعی نیز باعث شده تا بیشتر ناظران به تعیین حدود و مسؤولیت‌ها باشند تا حقوق و آزادی‌ها.

۲- عمومیت و رسانه‌محوری

باید به جای قانون مطبوعات و مانند آن به دنبال قانون ارتباطات جمعی و قانون رسانه‌ها بود؛ ضرورتی که خوشبختانه در برنامه چهارم توسعه کشور مورد توجه قرار گرفت. طبیعی است که رسانه محوری قانون به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های حقوقی در ساختار و کارکرد رسانه‌ها با یکدیگر نیست. مقصود آن است که در حوزه مشترک میان انواع وسایل ارتباط جمعی (مانند مقررات محتوایی) نظم واحدی حکومت کند و این منافاتی با اشاره به جنبه‌های اختصاصی هر رسانه ندارد.

۳- تأکید بر نظارت‌های صنفی و مدنی

شکی نیست که حتی با وضع بهترین قوانین و نیز ترویج اخلاق حرفه‌ای هم نمی‌توان از نقض عمدی یا غیرعمدی مقررات آسوده‌خاطر بود. بنابراین نظارت بر کارکرد رسانه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. اولین نظارت‌های دولتی که گاهی نظارت قانونی هم نامیده می‌شود، ضمن آنکه هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی بر حکومت‌ها تحمیل می‌کند، به طور طبیعی نمی‌تواند چنان گسترده باشد که همه فعالیت‌های مطبوعاتی، رادیو و تلویزیونی، سینماها و دیگر انواع وسایل ارتباط جمعی را در بر بگیرد. به همین دلیل استمداد از نهادهای صنفی و مدنی می‌تواند جایگزین مناسب یا همکار سودمندی برای نظارت‌های دولتی به شمار آید. همچنین برای نظارت بر عملکرد رسانه‌ها می‌توان از نهادهای مردمی و مدنی بهره فراوانی برد.

۴- رعایت اصول قانون‌نویسی

قانون‌نویسی متفاوت از قانون‌گذاری است. پس از آنکه نیاز به قانون در زمینه‌ای احراز شد، شیوه نگارش قانون یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. در این باره اشاره به موارد زیر کاربردی است:

الف) لزوم انعطاف‌پذیری و تناسب با فناوری‌های نوین

در تدوین قانون جامع رسانه‌ها باید شتاب تحولات فناوری را در نظر گرفت و به گونه‌ای عمل نکرد که قانون کارآمدی خود را در عمل از دست بدهد. برای نمونه تکیه بر عنصر چاپ و انتشار سنتی در تعریف مطبوعات با دگرگونی‌های جهان معاصر نامتناسب است.

ب) شفافیت و دوری از ابهام و اجمال

یکی از الزام‌های اصلی قانون‌نویسی اجتماع و استعمال الفاظ و اصطلاحاتی است که تحمل برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون و حتی متعارض را به دنبال دارد. برای نمونه طبق ماده ۱۶ قانون مطبوعات، عدم انتشار منظم یک نشریه اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیئت نظارت) باشد موجب لغو پروانه خواهد بود. در این ماده هیچ ضابطه و معیاری برای عذر موجه تعیین شده است.

پ) قابلیت اجرا و سودمندی

عدم امکان اجرا بزرگ‌ترین ایراد ممکن بر یک قانون است. برای نمونه حضور هیئت منصفه در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی دستور اکید و صریح اصل ۱۶۸ قانون اساسی است. قانون مطبوعات نیز به تفصیل در فصل جداگانه شیوه انتخاب، شرایط اعضا و نحوه مشارکت آنان را در دادرسی تعیین کرده است. با این حال طبق تبصره‌های ماده ۴۳ رأی هیئت منصفه تنها جنبه مشورتی داشته و برای نمونه در صورتی که تصمیم هیئت منصفه بر بزهکاری باشد، دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رأی بر اثبات صادر کند.

ت) ضمانت اجرا و الزام‌آوری

به طور کلی قانونی که مخاطبان رعایت آن را الزامی نپندارند و نقض‌کنندگان آن کیفر نینند، اثر وجودی خود را از دست می‌دهد. برای نمونه تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر، ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد در تصاویر و محتوا) و تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی در بندهای مختلف ماده ۶۶ قانون مطبوعات به عنوان ممنوعیت‌هایی ذکر شدند که باید از آن اجتناب شود. اما این موارد علاوه بر ابهام در

مفهوم و مصداق، ضمانت اجرایی مناسبی ندارند و به همین دلیل کمتر می‌توان شاهد پیامدهای حقوقی برای نقض آن‌ها بود.

آزادی اطلاعات و حقوق بشر

بر مبنای اصل آزادی جریان اطلاعات، مردم حق دارند به اخبار عمومی دسترسی داشته باشند، آن را به یکدیگر منتقل کنند و درباره آن اظهار نظر (و احیاناً نقد و اعتراض) کنند. این شعار دنیای امروز است که در اسناد معتبر حقوق بین‌الملل نیز تأیید و تثبیت شده است. گذشته از میزان درستی و صداقت در طرح این آموزه‌ها و اینکه مدعیان تا چه اندازه در عمل به آن وفادار مانده اند، تبیین موضع اصولی نظام سیاسی و فکری ما در این باره ضروری است. مقاله حاضر در پی آن است که در دو گفتار جداگانه گام کوتاه و نخستینی را در همین راستا بردارد، گفتار نخست به طرح مسئله، بیان اهمیت موضوع و مبنای نظری آن می‌پردازد. گفتار دوم هم عهده‌دار طرح مهم‌ترین موارد و مصادیق احترام به این اصل در حقوق و معارف اسلامی، به عنوان زیربنای نظام قانونگذاری کشور ماست.

حق دسترسی به اطلاعات و گردش آزاد اخبار به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری و شهروندی از اصول پذیرفته شده جهان امروز است. دیگر کسی تردید ندارد که به دلایل مختلف، دسترسی مردم به اطلاعات و آگاه بودن آنان از اخبار پیرامونی خود، از جمله حقوقی است که تامین آن وظیفه و نیز به سود دولتهاست. اسناد معتبر بین‌المللی نیز به هرگونه بحثی در این زمینه پایان داده و از نظر حقوقی آن را مستند ساخته اند.

برای مثال ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸ به صراحت چنین بیان کرده است: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

پیش از آن هم قطعنامه شماره ۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ تصریح کرده بود که آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشری و ... سنگ بنای تمام آزادی‌هایی است که سازمان ملل خود را وقف آن کرده است. البته باید توجه داشت که: اولاً؛ مقصود از «حق دسترسی به اطلاعات»، دسترسی به اطلاعات «عمومی» است و شامل اخبار مربوط به حریم خصوصی دیگران نمی‌شود. قداست و حرمت حریم خصوصی نکته‌ای نیست که نیاز به تأکید و توضیح داشته باشد. با این حال ماده ۱۲ همان اعلامیه مقرر کرده است که:

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز بسیاری دیگر از متون و اسناد معتبر جهانی نیز همین ممنوعیت را تکرار و تأکید کرده اند. بنابراین آزادی گردش اطلاعات مربوط به اخباری غیر از حریم خصوصی شهروندان است. درباره تعریف، مبانی و استثناءهای ممنوعیت تجاوز به حریم خصوصی، گفتگوهای فراوانی وجود دارد که اکنون مورد بحث نیست. ثانیاً: معلوم است که «اصل» آزادی اطلاعات مانند هر «اصل» دیگری بدون حد و استثناء نیست. عقل و تجربه بشر او را به این واقعیت انکارناپذیر رهنمون شده است که غیر از اخبار و اطلاعات خصوصی دیگران، برخی اخبار و اطلاعات عمومی و دولتی نیز وجود دارد که برای حفظ مصالح اجتماع قابل دسترسی و انتشار نیست.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، پس از تبیین حقوق بنیادین، در ماده ۲۹ خود همه آنها را چنین محدود ساخته است: هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادیهای خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع شده است.

بنابراین محدود بودن تمام حقوق بشری و شهروندی (و از جمله حق دسترسی آزاد به اطلاعات و اخبار دولتی و عمومی) تردیدپذیر نیست؛ البته این محدودیت‌ها باید حتماً مذکور در قانون و برای تأمین یکی از اهداف یاد شده باشد؛ اهدافی که در بند سوم ماده ۱۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین خلاصه شده اند :

الف - احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب - حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی

ثالثاً - به دلیل وضوح مبانی حقوقی این بحث و مهمتر از آن برای تضمین اجرا و تحقق اهداف و فواید آن سالهاست که کشورهای مختلف تلاش کرده اند تا این حق را علاوه بر ذکر در قانون اساسی خود، به صورت قانونی مستقل و شفاف تدوین کنند.

آزادی بیان

یکی از انواع آزادی، آزادی بیان است، بحث آزادی بیان یکی از بحث انگیزترین موضوعات جوامع بشری در دنیای معاصر است زیرا این مقوله به دلیل ماهیت خاصی که دارد، از طرفی

جزء مهمترین حقوق اساسی افراد در جوامع بوده و از سوی دیگر همواره با منافع ارباب قدرت و دیدگاه های اقتدارگرایانه به نحوی در تعارض بوده است.

آزادی دارای انواعی از قبیل، آزادی سیاسی، آزادی عقیده و غیره است، که یک مورد از آن اقسام هم آزادی بیان است، به این معنا که افراد علاوه بر اینکه به خاطر داشتن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی، نباید مورد تعقیب قرار گیرند، باید بتوانند عملاً این عقیده خود را ابراز نموده، برای اثبات و احیاناً به دست آوردن همفکران دیگر درباره آن تبلیغ کنند.

در ماده ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر هم بر ضرورت آزادی عقیده و بیان آن، تاکید شده است:

«هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی در تغییر مذهب یا عقیده و همچنین آزادی در اظهار عقیده و ایمان و شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است، و هرکس می‌تواند از این حقوق انفرادی یا اجتماعی به طور خصوصی یا عمومی برخوردار باشد. هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

آزادی بیان به این معنا است که افراد علاوه بر اینکه به خاطر داشتن عقیده مخالف، چه در امور دینی و چه در امور سیاسی، نه تنها نباید مورد تعقیب قرار گیرند بلکه باید بتوانند عملاً این عقیده خود را ابراز نموده، برای اثبات و احیاناً به دست آوردن همفکران دیگر درباره آن تبلیغ کنند (بهرامی کمیل، ۱۳۸۸).

«آزادی بیان حق طبیعی است که همه افراد آدمی به مقتضای انسان بودن خود، به طور یکسانی از آن برخوردار و به موجب آن در بیان اندیشه و فکر خود، تا جایی که موجب نقض حقوق دیگران و اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود، مجازند.»

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در «بیان عقیده» آزاد و از ترس فارغ باشند، به‌عنوان بالاترین آرمان بشری اعلام شده است. آزادی بیان معیاری اساسی برای هر نوع جامعه چند صدایی و دموکراتیک است. نقض این آزادی همواره به نابودی سایر موازین حقوق بشر منجر می‌شود.

در اکثر موارد، استعمال آن به نبود قانونی حکومتی که محدودیت بیانی وضع کند، اشاره دارد. در اینجا «بیان» در مفهوم عام آن به‌کار رفته و شامل بیان‌های زبانی و غیر زبانی (مانند بیان تصویری یا اشاره‌ای)، نوشتاری و غیر نوشتاری می‌شود؛ البته فلاسفه در تعریف بیان

دقت می‌کنند تا گفتارهایی مانند «سوگند دروغ در دادگاه» را -علی‌رغم اینکه زبانی هستند- از حیطة بحث خارج کنند.

مباحث آزادی بیان بجز «نبود قانون محدودکننده بیان» شامل موارد متفرقه دیگری هم می‌شود که به عنوان نمونه می‌توان از آزادی از فشارهای اجتماعی یا تهدیدهای اقتصادی (مانند تهدید از دست رفتن تجارت، یا شغل)، سیاست‌های ویرایشی یک ژورنال علمی، سیاست خرید کتاب یک کتابخانه، و واقعیت‌های موجود در مورد بازتاب دیدگاه‌های مختلف در وسایل ارتباط جمعی نام برد.

بر اساس تعریف، اولاً: آزادی بیان یک حق طبیعی برای همه افراد انسان است و ثانیاً همه افراد به طور یکسان از آن برخوردارند که می‌توانند اندیشه و فکر خود را ابراز کنند و ثالثاً محدود به دو چیز است اول: موجب نقض حقوق دیگران نشود. دوم: موجب نقض اصول ارزشی مورد احترام جامعه نشود.

اسلام و آزادی بیان

از منظر اسلام حفظ حقوق انسانها امری واجب و بایسته است و هر آنچه مانع پاسداشت آن و در نتیجه تنزل کرامت انسانی شود، مردود و ناشایسته است.

از این رهگذر، اسلام، اصل آزادی را یکی از بدیهی‌ترین حقوق انسان‌ها دانسته و بر رعایت آن پای فشرده و تسلیم و انقیاد آدمیزادگان را بجز در برابر خداوند یکتا، امری بسیار ناپسند و نکوهیده برشمرده است.

پیرو چنین دیدگاهی، آزادی بیان نیز که از سوی دانشوران اسلام، حریه‌الرای خوانده شده، به مثابه یکی از مظاهر برجسته حریت انسان، مورد تأیید افزون اسلام قرار گرفته است. باوجود این، اسلام آزادی مطلق بیان را برنتابیده و برای آن محدودیت‌هایی قائل شده است.

به عنوان نمونه، آزادی بیان در اسلام حریم خصوصی افراد را شامل نمی‌شود و اگر بیان گفتاری سبب فاش شدن اسرار و رسوایی و بی‌آبرویی فرد یا افرادی شود، اسلام آن را امری مذموم و نادرست خوانده است.

ممنوعیت توهین و همچنین هتک حرمت انسان‌ها نیز از جمله محدودیت‌هایی است که اسلام برای آزادی بیان قائل شده است.

البته مواردی دیگر نیز می‌توان به دو مورد یادشده افزود که ناگفته پیداست بیان همه آنها خود مثنوی هفتاد من کاغذی را می‌طلبد و این مختصر را مجالی برای تشریح و تبیین کامل آنها فراهم نیست.

شوربختانه، در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، حکومت‌هایی چون خلافت‌های اموی و عباسی و... که به اصطلاح لقب اسلامی را یدک می‌کشیده‌اند و شمار فراوانی از عالمان وابسته به حکومت‌های این چنینی، برخلاف اصول مسلم اسلام توجهی به این مهم نداشته و بارها آزادی بیان را قربانی مصالح سیاسی و مطامع فردی خویش نموده‌اند.

این نکته موجب شده است برخی پژوهشگران ناآگاه به اصول اسلامی و تعداد بسیاری از دشمنان اسلام، دستاویزی بیابند تا اسلام را آیینی مخالف با کرامت انسانی و سرکوبگر آزادی‌های فردی جلوه دهند.

با تمام این اوصاف، نگاهی دقیق به سیره پیامبر اکرم (ص) و روش امامان دوازده‌گانه شیعه (ع) که آنان را می‌توان تجسم اسلام راستین پنداشت، هویدا می‌سازد که اطلاق چنین صفات و ویژگی‌هایی به اسلام تا چه حد فاقد دستمایه‌ها و پشتوانه‌های علمی و نظری است.

برابر با تاریخ، این بزرگواران، همواره به سخن مخالفان و منتقدان، گوش فرامی‌دادند و تنها تلاش می‌کردند با رویی خوش پاسخی مستدل و درخور ارائه دهند.

حضرت محمد (ص) و ائمه اطهار (ص)، نه فقط خود از مقابله خشونت‌آمیز با مخالفان رویگردان بودند، بلکه یاران خویش را از هرگونه ایذا و آزار آنان باز می‌داشتند.

صفحات تاریخ مملو و لبریز از روایت‌هایی است که بر درستی گفتار فوق گواهی می‌دهد. از آن جمله می‌توان به روش امام علی (ع) پس از رخ نمودن ماجرای خوارج اشاره داشت.

اسناد و منابع معتبر تاریخی بازگوکننده آن است که حضرت علی (ع)، خوارج را هیچگاه به دلیل باورها و گفتمان‌هایشان مورد تعقیب قرار نداد و حتی حقوق آنان از بیت‌المال را نیز قطع ننمود.

حسن سلوک امام (ع) در برابر خوارج تا به آن اندازه بود که خوارج از بدگویی امام (ع) حتی در حضور ایشان هم پروا نداشتند و امام تنها زمانی ناگزیر از برخورد قهرآمیز با آنان شد که خوارج خود دست به شمشیر بردند.

گفت و گوهای پیامبر (ص) با مسیحیان نجران که جریان مباحثه آن رخ داد، مباحثات گسترده امام جعفر صادق (ع) با دهریون و همچنین دانشمندان اهل کتاب و حضور فعال امامان رضاعی،

جواد (ع) و هادی (ع)، در مجالس مناظره با دانشمندان فرق گوناگون اسلامی و البته اندیشمندان پیرو ادیان مختلف، گواه‌های دیگری بر آن مهم است که از منظر اسلام آزادی بیان تا چه اندازه محترم و پسندیده است.

حقوق ارتباطات و آزادی بیان در نظام اسلامی

به رغم آنچه گفته شد هنوز هم درباره میزان همسویی و انطباق حقوق مزبور با موازین و احکام اسلامی پرسشهایی مطرح میشود. پاسخ به این پرسشها از دو نظر دارای ضرورت و اهمیت فراوان است؛ نخست آنکه طبق اصول متعدد قانون اساسی، و از جمله اصل چهارم: «همه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.» و در نتیجه «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور ... مغایرت داشته باشد.» (اصل هفتاد و دوم) از این مهمتر آنکه انتساب مطالب ناروا به اسلام و مخالفت با حقوق و خواست بدیهی شهروندان به نام مذهب آثار نامطلوب بسیاری دارد که قابل چشم‌پوشی نیست. واقعیت آن است که نظریه «حاکمیت الهی»، «مشروعیت قدسی» یا هر عنوان دیگری که برای آن به‌کار برده شود، گاهی دچار نوعی کج فهمی و گاه غرض‌ورزی شده است. از گذشته‌های دور کسانی، از روی نادانی یا به صورت دانسته، تفسیری از این نظریه ارائه داده‌اند که آثار جبران‌ناپذیری از خود برجای گذاشته است.

آنان خواسته‌اند «حاکمیت الهی» را مترادف با نفی مردم‌سالاری و به معنای ناب‌خورداری مردم از هر حقی معرفی کنند. بنابراین برداشت هولناک، مشروعیت الهی حکومت به معنای آن است که مردم بدون آنکه از هیچ حق و امتیازی برخوردار باشند، تنها مکلف به دفاع از حکومت و جان فشانند برای بقای آن هستند. ناگفته پیداست که چنین تفکری تا چه اندازه با دانسته‌ها و خواسته‌های فطری بشر ناسازگار است و چگونه آنان را از صاحبان چنین اندیشه‌هایی گریزان و متنفر می‌سازد. استاد فرزانه، شهید مرتضی مطهری بارها نسبت به این فتنه بزرگ نظری و آثار دهشت‌بار عملی آن هشدار داده است.

شهید مطهری رواج چنین اندیشه‌ای را از علل‌گرایش به مادیگری و دین‌گریزی نسل‌های دیروز و امروز میدانند و معتقد است: «اندیشه‌ای خطرناک و گمراه‌کننده در قرون جدید میان بعضی دانشمندان اروپایی پدید آمد که در گرایش گروهی به ماتریالیسم سهم بسزایی دارد، و آن اینکه نوعی ارتباط تصنعی میان ایمان و اعتقاد به خدا از یک طرف و سلب حاکمیت توده مردم از طرف دیگر برقرار شد. مسئولیت در برابر خدا مستلزم عدم مسئولیت در برابر خلق خدا فرض شد و حق‌الله‌جانشین حق‌الناس گشت.

آن شهید بزرگوار با اشاره به نمونه‌هایی از متون دینی، و از جمله این گفته معروف پیامبر اسلام که «کُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» نتیجه می‌گیرد که «از نظر اسلام، درست امر به عکس آن اندیشه است.»

ایشان در جای دیگری، رواج این اندیشه خطرناک و گمراه کننده را بی ارتباط با عملکرد خلفا و سلاطین مسلمان نمی داند و تصریح میکند که این حاکمان ناصالح برای توجیه رفتار خود و جلوگیری از اظهار نظر و نقد عامه، مقدس بودن حکومت را به تقدس حاکمان معنی کردند تا به این ترتیب مردم را از حقوق اولیه خود در عرصه سیاست و زندگی جمعی محروم کنند و همین باعث شد تا گروهی از روشنفکران متدین هم برای رهایی از این مشکل به دامان سکولاریسم پناه ببرند. با توجه به این تجربه مهم تاریخی، برای جمهوری اسلامی ایران که بر پایه ایمان به حاکمیت الهی استوار شده است، تبیین درست این نظریه و تعیین جایگاه و حقوق مردم در آن از اهمیت مضاعفی برخوردار است. یکی از حقوق، همان حق آگاهی مردم از روند تصمیم گیری و اقدامات حکومت است که موجب برقراری، حفظ و توسعه اعتماد متقابل بین مردم و حاکمیت شده و کمیت و کیفیت سطح مشارکت عمومی و مدنی برای پیشبرد اهداف جامعه را در پی دارد. شفافیت و علنی بودن اطلاعات عمومی (بجز موارد استثناء)، همچنین بهترین سازوکار برای از بین بردن زمینه ویژه خواری، پیشگیری و مبارزه با فساد اداری و اجتماعی، اصلاح امور و در نتیجه افزایش کارآمدی حکومتهاست و هیچکس حق ندارد اسلام را مخالف با این امور نشان دهد و نظام سیاسی و مردم ما را از برکات آن محروم سازد. نوشتار حاضر تلاشی مختصر برای تبیین این موضوع است و طبعاً مانند هر گام نخستین و طرح اولیه ای پیراسته از خطا و بی نیاز از نقد نخواهد بود.

رسانه و آزادی بیان

در دنیای امروز و با توجه به فراگیری فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی، داشتن «آزادی بیان» یکی از مطالبات و حقوق اکثر اهالی رسانه و مطبوعات و حتی همه افراد جامعه است. این در حالی است که این عبارت ساده دارای تعاریف و ابعاد مختلفی است که درک کامل آن نیازمند تحقیق و تدبر در حوزه های حقوق و رسانه و توجه به قوانین حاکم بر کشور مورد مطالعه است.

در این حوزه فلاسفه و علمای سیاست غالباً از مطلق آزادی بیان سخن به میان می آورند اما حقوق دانان از حق آزادی بیان صحبت می کنند. برای مثال زمانی که جان استوارت میل در کتاب رساله درباره آزادی، از آزادی افکار و مباحثات سخن می گوید عمدتاً به معنای اول نظر دارد، اما هنگامی که میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی یا قانون اساسی یا قانون مطبوعات یک کشور، حکمی درباره آزادی بیان مقرر می دارد به معنای دوم نظر دارد (انصاری، ۱۳۸۶).

تفاوت این دو معنا در آن است که حق آزادی بیان در مقایسه با مطلق آزادی بیان، چهارچوب و قلمرو روشن و مشخصی دارد. همانند سایر حق ها، دارنده این آزادی، طرف آن، محتوای آن، حدود آن و ضمانت اجراهای آن تا حد زیادی مشخص است.

در مقایسه آزادی بیان با سایر آزادی های رسانه ای باید اشاره کرد آزادی بیان در معنای خاص خود سایر آزادی های رسانه ای نظیر آزادی مطبوعات، آزادی کلام و آزادی ارتباطات را نیز در بر می گیرد. آزادی مطبوعات متضمن آن است که محدودیت و نظارت قبلی بر انتشارات وجود نداشته باشد و مدیران و مالکان یک نشریه آخرین حرف را در مورد آنچه می خواهند، بنویسند یا منتشر کنند. از این آزادی به آزادی انتشار نیز یاد می شود (معتدمنژاد، ۱۳۷۹).

در اینجا اصطلاح دیگری با عنوان «حقوق بشر» با این موضوع در ارتباط است. حقوق بشر حقوقی اند که انسان ها به صرف انسان بودن و صرف نظر از جنس، نژاد، قومیت، دین و مذهب دارند. در نظام حقوق بشر، آزادی بیان جزو حقوق مدنی و سیاسی قرار می گیرند.

در اسناد بین المللی حقوق بشر همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی (۱۹۶۶) و نیز در اعلامیه قاهره راجع به حقوق بشر اسلامی (۱۹۹۰) حق برخورداری از آزادی بیان یکی از حقوق بشر شناخته شده است (سازمان ملل متحد، ۱۹۴۸؛ جوزف و همکاران، ۱۳۹۵؛ برمز، ۲۰۰۱).

آزادی بیان بیش از هر چیز به آزادی اندیشه وابسته است. در واقع این آزادی مقدمه آزادی بیان است. انسان ابتدا باید آزاد باشد تا به آنچه می خواهد فکر کند و عقاید و نظر های خود را شکل دهد. انواع بیان ها را از لحاظ مفاد و مضمون می توان به بیان های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، مذهبی، تجاری و جنسی تقسیم کرد. فایده تقسیم بندی آن است که برخی نظامهای حقوقی از بعضی بیان ها بیشتر حمایت می کنند زیرا معتقدند نفع عمومی برخی بیان ها نظیر بیان های سیاسی و اجتماعی از سایر انواع آن بیشتر است (انصاری، ۱۳۹۰). در این زمینه مطالعات قبلی انجام شده نشان داد که اگرچه آزادی بیان یک حق شمرده می شود، اما در مورد آرای سیاسی و نقد حکومت، مرزهای آزادی بیان متفاوت است و هیچ حکومتی اجازه نمی دهد که مخالفانش تا مرز براندازی پیش بروند (سروش، ۱۳۸۲). همچنین باور عمومی این است که گسترش روزنامه های الکترونی و تارنماها، تهدید غیرقابل کنترل حکومت های اقتدار گرا هستند و با فرض اینکه دسترسی به اطلاعات یک حق اساسی و اولیه انسانی است، حمایت از آزادی مطبوعات و بیان در یک جامعه مردم سالار باید مورد توجه قرار گیرد (بدیعی، ۱۳۸۲).

از طرف دیگر حق آزادی بیان یکی از حقوق سیاسی مدنی انسان شمرده می شود که در آموزه‌های مکتب اسلام تشویق و تأیید شده است. این حق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از اسناد بین المللی پذیرفته شده و مواردی چون تعقل، تدبیر، گفتگو یا حسن، اصل امر به معروف و نهی از منکر، مشورت، حق انتقاد و نصیحت زمامداران به عنوان مبانی تأییدکننده آزادی بیان در اسلام به شمار آمده‌اند (میرمحمدی، ۱۳۸۴). از همین روی است که آزادی اجتماعی را به عنوان سنگ بنای اصول مردم سالاری و حقوق بشر دانسته اند که در رویه قضایی شورای قانون اساسی فرانسه نیز از آن به عنوان آزادی اساسی یاد می شود که یک تضمین اساسی نسبت به احترام به حقوق و آزادی دیگران و تضمین حاکمیت ملی است (واچمن، ۱۳۸۵).

درباره چگونگی عینیت یافتن حق آزادی بیان در فضای سایبر و قابلیت های رسانه ای موجود نیز از ابتدای شکل گیری این حوزه نظرات مختلفی مطرح بوده است. در این راستا باید ضمن تأکید بر حفظ اصل آزادی شهروندان در بهره برداری از این فضا برای ابراز عقیده، در دسترس بودن آن برای مجرمان را به عنوان یک دغدغه دانست که نیازمند برنامه ریزی و تدبیر است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶). البته آزادی بیان همواره دارای موافقان و مخالفانی بوده است اما موافقان آزادی بیان، آن را موجب شنیده شدن صدای همه اعم از موافق و مخالف، بالا رفتن میزان مشارکت در جامعه، حفاظت از مردم سالاری و مبارزه با آیین های جزمی می دانند (بدری، ۱۳۸۹).

در واقع می توان آزادی بیان را یکی از آزادی های اجتماعی بر شمار آورد که امور متعددی همچون مشورت، وجوب بیان حق، اندیشه سیاسی و مانند آن از مصادیق آن است (مرتضایی و حسینی، ۱۳۹۲). همچنین حق آزادی بیان زمینه ساز سایر حقوق بشر است که اگر چه تعریف این حق و اهمیت اجزاء و مؤلفه های آن در گذر زمان تغییر کرده اما اکثر اسناد جهانی و منطقه ای حقوق بشر تعاریف بسیار مشابهی از حق آزادی بیان ارائه داده اند. به موجب این تعاریف، حق آزادی بیان، حق «هرانسان» است به اینکه «اطلاعات» و «نظریه‌های» خود را با «هر ابزاری» و حتی «در ورای مرزهای ملی» ابراز کند (سودمندی، ۱۳۹۵).

در اینجا می توان حق آزادی بیان را یکی از وجوه مهم و کلیدی آزادی سیاسی به حساب آورد که اگر در جامعه ای نباشد، بخشی بزرگ از آزادی آن جامعه از دست رفته و طبیعی است که جلوه بیرونی آزادی اندیشه، خود را در آزادی بیان نشان می دهد (سید باقری، ۱۳۹۷). ناگفته نماند در دنیای فناورانه امروز که هر مطلبی به سرعت توسط ابزارهای الکترونیکی منتشر و فراگیر می شود، همواره میان دو حق آزادی بیان و حریم خصوصی در یک سری موارد تداخل وجود دارد که نظام های حقوقی مختلف هر کدام به نحوی این تداخل را حل

کرده‌اند، اما همواره این سوال مطرح است که به طور مثال زندگی خصوصی چهره های ورزشی، هنری یا سیاسی همیشه جذاب است و این جذابیت، روحیه کنجکاو مردم و غفلت برخی چهره ها موجب می شود که جزییات زندگی خانوادگی افراد مشهور در رسانه ها منتشر شود. موافقان انتشار چنین اخباری براین عقیده اند که حوزه حریم خصوصی برای آنها بسیار کمتر از افراد دیگر است و آزادی بیان برای جامعه ای دموکراتیک ضروری است؛ اما مخالفان برآن اند که هر انسانی حق دارد حوزه خصوصی داشته باشد و قانون نیز باید از آن محافظت کند (مقامی و عطاران، ۱۳۹۸).

با جمع بندی نظرات و مطالعات قبلی به این نتیجه می رسیم که اگرچه تعاریف، حدود و مصداق های آزادی بیان از دیدگاه موافقان و مخالفان در کشور ما بارها مطرح شده است اما تا کنون آزادی بیان از منظر حقوق رسانه مورد مطالعه قرار نگرفته و با توجه به نقش و تاثیرگذاری رسانه های امروز که به صورت الکترونیکی و با استفاده از فناوری های روز به انتشار محتوا می پردازند، انجام یک تحقیق کیفی جهت شناسایی ابعاد و مولفه های آزادی بیان در رسانه های ایران امری ضروری است.

رسانه و حقوق بشر

اصطلاح حقوق بشر مفهومی نسبتاً جدید است و تنها پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد وارد عرصه گفتمان و نظام حقوق بین الملل و داخلی شده است. این مفهوم، جایگزین مفاهیم فلسفه سیاسی کلاسیک یعنی «حقوق مدنی» و «حقوق انسان» شد که قدمتی دیرینه تر دارند. امروزه حجم عظیمی از قواعد حقوق بشر با تلاش های سازمان ملل متحد، جزء تعهدات لازم الاجرا در عرصه بین المللی و جزء جدایی ناپذیر نظام حقوق بین الملل شده و دولت ها را در قبال تعهد به این قوانین و اجرای آن ملزم کرده است. تمامی این فرآیند ها در قرن بیستم و در دورانی اتفاق افتاده است که وسایل ارتباط جمعی مدرن و رسانه های گروهی فراگیر نیز گسترش یافته و ساختار نظام اجتماعی مدرن را تشکیل داده اند. ارتباط بین رسانه های گروهی مدرن و تحولات جاری در عرصه حقوق بشر و معاهدات حقوق بین الملل و ظهور، گسترش و تعمیق آن هدفی است که در این مقاله به اختصار بررسی خواهد شد.

بین آزادی بیان و آزادی اطلاعات متأثر از معیار های حقوق بشر، ارتباط درونی و متقابل وجود دارد. آزادی بیان از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ چرا که وسیله ای برای محقق ساختن دیگر حقوق افراد به شمار می رود. پیدایش مطبوعات و رسانه های ارتباطی آزاد موجب از بین رفتن سنت های جزمی و تأمل درباره خویشتن و گسترش «اراده اجتماعی» می شوند.

اراده اجتماعی عبارت است از: «داوری جمعی درباره اهداف مطلوب و محاسبه آگاهانه در مورد وسایل نیل به آن هدف» و بر اساس این معیار عام، سوء استفاده از قدرت سیاسی و نقض حقوق بشر در معرض دید عمومی قرار میگیرد. فناوری های نوین ارتباطی فرصت های مناسبی برای مشارکت و گفتگو در همه عرصه های گفتمان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم آورده است تا اینکه آنرا به عنوان ابزاری در اختیار برنامه ریزان دولتی با اهدافی خاص قلمداد کنیم.

نقش رسانه های گروهی در جوامع مدرن تا جایی اهمیت دارد که به عقیده برخی از صاحب نظران حوزه رسانه حتی ظهور ایدئولوژی هایی همچون ناسیونالیسم وابسته به ظهور رسانه های گروهی بوده است.

آندرسون^۱ (۱۹۹۱) معتقد است که مفهوم ناسیونالیسم وابسته به تصویری از جامعه است که بر ساخته رسانه های گروهی است. به نظر وی ناسیونالیسم به عنوان یک مفهوم، پیش از پیدایش رسانه های مکتوب اصلاً وجود نداشت ولی توانست توانایی خواندن و نوشتن به زبان مادری را به وجود آورد و خوانندگان را در مفهومی از زمان و مکان متراکم و حس اتحاد و یگانگی را به آنان القاء کند (آندرسون، ۱۹۹۱: ۱۲).

حوزه رسانه به عنوان یکی از ساختار های خرد اجتماعی توانایی بسیار مؤثری در شکل گیری فرهنگ عمومی دارد. این حوزه خرد می تواند با بسیج و سازماندهی فعالان عرصه حقوق بشر و سایر موضوعات اجتماعی آنان را تقویت کرده و به جریانی در حوزه عمومی گسترده تر تبدیل کند (فریسر^۲، ۱۹۹۹: ۵).

سؤالات بسیاری در مورد نقش رسانه های گروهی در ارتقاء وضعیت حقوق بشر وجود دارد؛ از جمله اینکه فعالیت آزاد رسانه ها چگونه می تواند با بازتاب مسائل حیاتی و مهم سیاسی و اجتماعی در حوزه حقوق بشر، کارکرد فرهنگی خود را انجام دهد؟ رسانه ها چه فرصت ها و محدودیت هایی برای ایجاد اجماع گفتمان فرهنگی در بین آراء و عقاید متفاوت و گاه متضاد حقوق بشری دارند؟ رسانه ها تا چه اندازه می توانند به تعدیل شرایط و اصلاح رفتارهای مخالف با حقوق بشر در جوامع در حال توسعه یاری رسانند؟ سؤالات بسیار دیگری در مورد کارکرد رسانه ها در اجتماع، به ویژه در امر حقوق بشر وجود دارد فرض اساسی این است که رسانه ها به عنوان یکی از مهمترین و کارآمدترین جلوه های حوزه عمومی در جوامع آزاد با ایفای نقش خود می توانند با افزایش آگاهی های عمومی، جامعه پذیری، ایجاد فضای انتقادی و نظارتی در داخل کشور و درگیر ساختن سازمان های بین المللی و دولت های مدافع حقوق

¹ Anderson

² Fraser

بشر به پیشرفت و تقویت جایگاه حقوق بشر منجر شوند. رسانه‌ها نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت انسان‌ها و آگاهی اجتماعی و فرهنگی آنان به عهده دارند.

رسانه‌ها بازیگران عرصه سیاسی و حقوق بشر

با فهم و شناسایی نقش وسایل ارتباطی در مسائل حقوق بشر بین‌المللی، تأثیر آموزشی آن بر مردم، نظارت بر حکومت‌ها و همراهی سازمان‌های غیردولتی در حوزه وظایفشان به اهمیت ذاتی وسایل ارتباط جمعی به مثابه بازیگران عرصه سیاسی می‌پردازیم. این تأثیر را می‌توان در گزارش‌های مربوط به حقوق بشر ملاحظه کرد. البته رسانه‌ها در عرض یکدیگر و در زنجیره‌ای از خبرها و گزارش‌ها که حاوی مسائل مربوط به حقوق بشر است تأثیرگذار هستند. عوامل مؤثر بر پوشش رسانه‌های باید به منظور فهم محتوای آن در نظر بگیریم. این عوامل و ارزش‌ها اولین مرحله در توالی آغاز یک واقعه - از تصمیم‌سازی تا گزارش آن واقعه و اتمام آن با خوانش خوانندگان و در نهایت دریافت - را شامل می‌شود. شنونده خبر یا به این دریافت بسنده می‌کند و یا آنرا در صورت نیاز با وقایع رسانه‌های که پیشتر مطرح شده، ارتباط می‌دهد.

گزینش خبر مبتنی بر عواملی است که بر حسب ارزش‌های خبری و محدودیت تعریف می‌شود. ارزش خبری همان عقاید مخاطبان است که ارزشمندی یک خبر یا یک واقعه را تعیین می‌کند. اما محدودیت‌های تولید مضامینی اند که گزارش یک خبر یا عدم گزارش آن را معین می‌سازند. محدودیت‌های دیگر از جمله اقتصادی بودن فعالیت یک بنگاه خبری و واقعیت‌های سیاسی موجود در برابر خبرنگاران نیز وجود دارد. برخی از وجوه مشترک در تولید یک خبر در جوامع غربی را می‌توان به این ترتیب بیان کرد. یکی از شایع‌ترین و مهمترین این ویژگی‌ها انتشار اخبار صرفاً در مورد کشورها و جوامع غربی است، البته این رفتار منطق مشخصی دارد. وقایع جوامع نخبه تأثیر بیشتری بر وقایع خبری کشور‌های دریافت‌کننده دارد. اخبار خارجی معمولاً بر ملاحظات دیپلماتیک یا مصالح سیاسی دولت‌ها مبتنی‌اند (شیمیکر و دانیل^۱، ۱۹۹۱).

از لحاظ شاخص‌های خبری، نزاع‌ها و یا بحران‌ها در دو سطح دیپلماتیک و نظامی و فجایع طبیعی دارای ارزش‌اند. البته باید تغییر و تحولات سیاسی صلح‌آمیز و تفوق سیاست‌های دیکتاتوری را نیز به این فهرست اضافه کرد. وقایع و افراد نابهنجار اجتماعی نیز جذابیت خبری بالایی دارند (شیمیکر و دانیل، ۱۹۹۱: ۷۸۳).

¹ Shoemaker & Daniel

موانع و محدودیت های فرا روی عملکرد رسانه ها در حوزه حقوق بشر

با عنایت به نفوذ قابل ملاحظه رسانه ها در سطح جامعه، باید موانع کارکرد صحیح و کامل رسانه ها نیز بررسی شود تا تمامی ظرفیت های بالقوه این تکنولوژی فرهنگی اجتماعی قابلیت اجرا پیدا کند. اگر رسانه های گروهی تاکنون نتوانسته اند از عهده وظایف خود در حمایت از حقوق بشر برآیند؛ بایستی دلایل و موانع آنرا بررسی کرد و با شناخت این مواضع به تقویت و تحکیم عملکرد رسانه ها پرداخت. امروزه رسانه های الکترونیک و چاپی بخش مهمی از جهان ما را تشکیل میدهند، با این ابزار ما قادر به شناخت وقایع احتمالی جهان اطراف خود می شویم و با بازنمایی رسانه ها مافهم و بینش خود را اصلاح می کنیم. این موانع برخی ساختاری و برخی ذهنی و فردیاند که منجر به کارکرد نادرست سیستم رسانه ای شده و آنرا از اهداف کارکردی خود دور می سازند.

۱- ساختار سازمانی (بوروکراتیک)

یکی از عوامل مهم در کارکرد رسانه ها، ماهیت نهادی رسانه ها می باشد. مدیریت در حوزه رسانه در مقایسه با دیگر سازمان های بزرگ بر مبنای سلسله مراتب و ساختار بوروکراتیک طراحی نشده است. در غیاب این ساختار به ناچار تقسیم کار صورت گرفته منجر به ایجاد نخبگان قدرتمندی به عنوان تصمیم گیرندگان اصلی خواهد شد و این نخبگان منافع خود را اولویت داده و منافع جمع را تابع آن خواهند کرد. این ساختار قدرتمند تأمین منافع نخبگان در نهایت سازمان را در مسیری قرار خواهد داد که منجر به تسلط همه جانبه این افراد شده و به قول میخلز تبدیل به قانون آهنین الیگارش می خواهد شد.

اگر این نظام سازمانی بر بخش عمده ای از تشکیلات رسانه های گروهی بین المللی حاکم باشد، برای اغلب افرادی که صادقانه در این رسانه ها در راستای «منافع همگانی» فعالیت میکنند، مشکلات و موانع اساسی ایجاد خواهد شد. در صورتی که این افراد بخواهند از جهات اساسی حقوق بشر دفاع کنند اما با خواسته ها، اهداف و منافع سردبیران، ناشران و یا تولید کنندگان در تعارض باشد، از عملکرد خود باز خواهند ماند. حتی میتوان پذیرفت که عموماً متولیان و نخبگان رسانه ها چندان توجهی به مسائل حقوق بشر ندارند. بنابراین پذیرفتنی است که انگیزه های حمایت از پیشبرد حقوق بشر از طریق رسانه ها غالباً نقشی ثانویه دارند و گردانندگان وسایل ارتباط جمعی در ابتدا به افزایش منافع خود اولویت می دهند. از سوی دیگر ساختار گسترده برخی از رسانه ها نیز مانعی در جهت فعالیت حقوق بشری آن

هاست. چه تأثیر نخبگان و چه ساختار گسترده رسانه ها، هر دو عملکرد رسانه ها را در حوزه حقوق بشر با مشکل مواجه میسازند. در جوامع امروزی فعالیت هر نهاد اقتصادی به سودآوری آن منوط است و اگر گزارش های حقوق بشری رسانه ها نتوانند علائق و منافع مخاطبان را برانگیزانند، مسائل حقوق بشر مورد اقبال نخواهد بود.

۲- محدودیت منابع مالی

عامل دومی که خبر رسان های را محدود می کند، عامل مالی است. عوامل اقتصادی، تأثیر عظیمی بر توجه به نوع خبر های رسانه ای دارد. این مسئله در بحران های اقتصادی و به ویژه در بحران اقتصادی اخیر جهان نمود عینی بیشتری پیدا کرده و انتشار اخبار بسیاری را متأثر ساخته است. در این صورت سردبیران و مالکان رسانه ها تلاش میکنند خبر هایی را تولید و گزارش کنند که هزینه های کمتری برای آن ها داشته باشد تا سودآوری معقول و همیشگی خود را حفظ کنند. سودآوری در تولید خبر همچون فیلتری عمل میکند و ممکن است از گزارش بسیاری از خبر های مهم حقوق بشری جلوگیری کند. مشکلات مالی می تواند بر گزارش های فوری و زنده خبری رسانه های تصویری بسیار مؤثرتر باشد و موجب دلسردی در ارائه گزارش های جامع نگر شود (کلمن و تومکا^۱، ۱۹۹۸: ۹).

کاهش و تضعیف گزارش های تحقیقی در هر رسانه ای به کم رنگ شدن حمایت از حقوق بشر خواهد انجامید. برای دفاع مؤثر و کامل از حقوق بشر، گزارش های خبری بایستی با جزئیات دقیق تهیه و ارائه شوند تا مخاطب بتواند تحلیل عمیق تری از گزارش وضعیت حقوق بشر انجام دهد و رخداد یا مسئله را در بستر تاریخی خاص خود درک کند. تنها در این صورت است که مخاطبان عام یا تصمیم گیرندگان بانفوذ در موقعیتی قرار می گیرند که درک عمیق و بینش روشنی از مسائل حقوق بشر کسب کنند.

۳- مشکلات سخت افزاری

با وجود توسعه بسیار چشمگیری که در تکنولوژی های رسانه ای صورت گرفته و تحولی اساسی را در زمینه ارتباطات و انتقال اطلاعات به وجود آورده است، صحبت از اینکه تکنولوژی خود عامل محدودیت باشد قابل پذیرش به نظر نمی رسد، اما می تواند برای پیشبرد اهداف

¹ Coleman & tomka

حقوق بشری مشکل آفرین باشد. «هارولد اینس»^۱ از متخصصان امر رسانه عنوان می کند که هر واسط ارتباطی مبانی خاصی برای ترجیح برخی از انواع اطلاعات دارد. نیل پستمن^۲ نیز این چنین می گوید: «تلویزیون به دلیل ماهیت ارتباطی اش که موجب تسلط بر دیگر انواع وسایل ارتباطی می شود، مطرح شدن اخباری خاص و نادیده گرفته شدن برخی دیگر را تعیین می کند.» در کنار این دلایل کاملاً قابل قبول، عوامل دیگری هم وجود دارند که باعث می شوند تا تکنولوژی هم چون وسیله پالایش (فیلترینگ) اخبار عمل کند. برای مثال در مورد تلویزیون آنچه نادیدنی است طبعاً قابلیت خبری هم ندارد. پژوهش ها نشان می دهند که عموماً اخباری از تلویزیون پخش می شوند که عنصر تصویری در آن برجسته تر باشد تا اخباری که از این تصاویر بی بهره اند.

اگر دلایل فوق مورد پذیرش قرار گیرند کاملاً قابل درک به نظر می رسد که تکنولوژی محدود در مسائل حقوق بشر بیشتر کارآیی دارند که متأسفانه با عدم توجه اغلب رسانه های جمعی مواجه میشوند و این امر هم به نوبه خود منجر به فراموشی این مسئله خطیر در عرصه بین المللی می شود.

در بسیاری از کشور هایی که حقوق بشر رعایت نمیشود، متأسفانه رسانه ها و تکنولوژی های رسان های قدرتمندی وجود ندارد که بتوانند نقض آشکار حقوق بشر را پوشش خبری دهند و آنرا مستند سازند. این کمبود ها و محدودیت ها را بیشتر در کشور های عقب مانده، به ویژه کشور های آفریقایی و یا حتی در کشور هایی که به خاطر جنگ زیرساخت های ارتباطی خود را از دست داده اند، بیشتر مشاهده میکنیم. دلیل اینکه آمریکا در تهاجم همه جانبه و وحشیانه خود به عراق چندان با مخالفت سازمان های مدافع حقوق بشر مواجه نشد، شاید این بود که طی جنگ گسترده در عراق رسانه ها به طور کلی نابود شده بودند و رسانه های غربی هم به دلایل سیاسی کاملاً یکجانبه و سانسور شده با مسائل حقوق بشری برخورد می کردند. واقعیت این است که فجایع حقوق بشری بیشتر موارد ناگفته باقی می ماند و یا حذف و طرد میشود؛ چرا که کسی نیست تا به دنبال پیگیری واقعیت امر برآید. رشد تکنولوژیک رسانه ها به تنهایی نمی تواند مفید فایده باشد، خبرگزاری پژوهشگرانه نیازمند خبرنگاران محقق نیز هست.

¹ Harold Innis

² Neil Postman

۴- دخالت در اخبار رسانه ها از سوی دولت ها

در کشور های غیردموکراتیک رسانه ها و گزارش های خبری در تسلط دولت ها قرار دارد و این دولت ها هم که در نقض حقوق بشر حد و مرزی برای خود قائل نیستند با دخالت در اخبار و ارائه اطلاعات غلط، جریان اطلاع رسانی صحیح و کارکرد اساسی رسانه ها را به کلی مختل می سازند. در واقع در این نوع رژیم های سیاسی، رسانه ها جزء دستگاه رسمی تبلیغی دولت ها هستند و از خود هویت مستقل و خودمختاری ندارند. بنابراین نقض حقوق بشر در این کشور ها چندان منعکس نمی شود و با توجه به محدودیت هایی که قبلا برای رسانه ها ذکر شد، بازتاب جهانی نیز نمی یابند

در این دولت ها، ابزار های ارتباطی به مثابه وسیله ای برای ایجاد ترس و تنفر و گسترش نزاع های قومی و گروهی استفاده می شود. رسانه های جمعی در این کشور ها بیشتر در راستای توجیه سیاست خارجی و تقویت موقعیت نخبگان داخلی به کار گرفته می شود. به عنوان مثل در دوران تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی، حاکمان سفید پوست بر تمام رسانه ها تسلط داشتند و همه مخالفان را تروریست و خائن می نامیدند. این وضعیت منجر به تقویت حکومت و سلطه سفید پوستان میشد و بر خشونت و استبداد نظام سرپوش می گذاشت. در یوگسلاوی سابق نیز رژیم بلغراد از تلویزیون و رادیو دولتی برای تقویت و گسترش شوونیسم قومی در جنگ بهره برداری می کرد. بنابراین رسانه های محلی از سوی کسانی که در قدرت هستند برای خاموش نگه داشتن مخالفان استفاده می شود. این وضعیت باعث می شود که رسانه ها در این کشور ها از وظایف اصلی و ذاتی خود دور بوده و نتوانند در مسئله حقوق بشر کارکرد ذاتی خود را ایفا کنند.

جمع بندی

قدمت صلح به درازای تاریخ بشر است. از آن زمانی که انسان جنگ را شناخت به اهمیت صلح نیز پی برد و تلاش کرد با تأسیس نهادهای اجتماعی و تدوین قوانین و معاهدات از آن حمایت کند. با این وجود، در تاریخ جهان ما همواره شاهد جنگ و منازعه و ویرانی های وحشتناک بوده ایم. طی قرون جدید انسان با شناخت مفهوم پیشرفت به ناپود کنندگی جنگ بیشتر پی برد و تلاش کرد تا با حائل قرار دادن قوانین در میان انسان ها و استقرار جامعه مدنی از آن جلوگیری کند و یا به حداقل ممکن برساند. معاهده مربوط به حقوق بشر یکی از این نهاد های قانونی مدرن است که برای تحکیم صلح در جهان به وجود آمده است. حقوق بشر یکی از دستاوردهای اساسی جوامع مدرن برای پاسداشت صلح و امنیت بین المللی از طریق شناسایی و پذیرش حقوق برابر و آزادی انسان ها است. حقوق بشر، حداقل در حوزه

نظری، با خصوصی تلقی کردن این حقوق و آزادی انسان‌ها بر علیه جنایت علیه بشریت و نقض حقوق اساسی بشر اعلام جرم می‌کند. رسانه‌های گروهی قدرتمند داخلی و بین‌المللی این اعلام جرم را با تنویر افکار عمومی و انعکاس در سطح جامعه به اجرا می‌گذارند. صلح بدون اطلاع رسانی آزاد و شناخت و آزادی بیان چنانکه در منشور سازمان ملل و اسناد حقوق بشر ذکر شده است محقق نمی‌شود. در جوامع مدرن، آزادی بیان خود را در آزادی ارتباطات و آزادی رسانه‌های گروهی مجسم می‌سازد.

ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۱ اعلامیه اروپایی حقوق بشر تأکید دارند که صلح مستلزم تلاش مشترک انسان‌های زیادی است. بر این اساس، انسان‌ها باید قواعد رفتاری مشترکی را پذیرفته و به اصل اساسی حقوق بشر معتقد باشند. از سوی دیگر کنش جمعی مستلزم ارتباطات اجتماعی است که از طریق رسانه‌های گروهی مقدور می‌شود. بدون رسانه‌ها هیچ اقدام جمعی در جوامع مدرن محقق نمی‌شود. همچنین بسیاری از جنگ‌ها به دلیل عدم آگاهی و شناخت کامل جوامع از یکدیگر صورت می‌گیرد که مشخصاً نقش آگاهی‌سازی رسانه‌ها بایستی مورد تأیید قرار گیرد.

بنابراین حمایت از حقوق بشر عنصر ضروری استراتژی صلح جهانی است. مدافعان حقوق بشر و صلح جهانی عرصه مشترکی برای فعالیت دارند و آن به کارگیری نیروی گسترده رسانه‌های گروهی است. صلح و حقوق توأمانند، لازمه صلح احترام به حقوق است و احترام به حقوق، کاری است آموزشی و تبلیغی که رسانه نقش اول آن را بازی می‌کند. آزادی مدنی، دموکراسی و حقوق بشر پیش شرط یک صلح پایدار میان انسان‌ها است.

امروزه جنبش‌های صلح طلب بر دفاع همزمان از دموکراسی، آزادی اطلاعات، آزادی بیان و حقوق بشر تأکید دارند. به نظر آنان تنها راه جلوگیری از خشونت و ترور در سطح جهان پیوند میان آزادی رسانه‌ها و حمایت از حقوق بشر است. همانطور که «هاول^۱» عنوان کرد: صلح و آزادی بیان دو امر تفکیک‌ناپذیراند. صلح پایدار و خلع سلاح تنها در جوامع آزاد قابل حصول است. دفاع از حقوق بشر باید در قلب همه جنبش‌های صلح طلب قرار گیرد (هاول، ۱۹۸۵).

بدون یک صلح واقعی داخلی، هیچ ضمانتی برای صلح بیرونی وجود ندارد. دولتی که خواست و حقوق شهروندان خود را نادیده می‌گیرد، هیچ ضمانتی وجود ندارد که به اراده و حقوق دیگر انسان‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها احترام بگذارد. احترام به حقوق بشر شرط بنیادین و ضمانت صرف و اصیل صلح حقیقی است.

¹ Havel

در چنین جوامعی رسانه‌ها نقش مهمی ایفا کرده و یکی از نهادهای اجتماعی هستند که می‌تواند برای استقرار صلح از راه‌های غیر خشونت‌آمیز به مبارزه منفی بپردازد و در مقابل دولت‌های مخالف حقوق بشر نقش کارآمد و ماندگاری ایفا کند.

منابع

- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۷) «مقدمه‌ای بر حقوق رسانه‌ها»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۷: ۳۶-۳۰.
- انصاری، باقر (۱۳۹۰)، حقوق رسانه، تهران: انتشارات سمت.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق ارتباط جمعی، تهران: انتشارات سمت.
- بدیعی، نعیم (۱۳۸۲) «چالش‌های روزنامه‌نگاری الکترونی - گسترش زمینه‌های آزادی بیان و اطلاعات»، فصلنامه رسانه، سال چهارم، شماره سوم (پیاپی ۵۵)، ۳۸-۲۵.
- بهرامی‌کمیل، نظام (۱۳۸۸)، نظریه رسانه‌ها، تهران: انتشارات کبیر.
- جلالی‌فراهانی، امیرحسین (۱۳۸۶) «مزیت‌ها و محدودیت‌های فضای سایبر در حوزه‌های آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حریم خصوصی»، فصلنامه حقوقی دادگستری، شماره ۵۹، تابستان ۱۳۸۶: ۱۰۰-۶۱.
- جوزف، سارا؛ جنی شولتر و ملیسا گسن (۱۳۹۵) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: دعاوی، آموزه‌ها، تفاسیر، ترجمه قاسم زمانی، تهران: انتشارات شهردانش.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۲) آزادی بیان و حق اظهار نظر و ابراز عقیده، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۴۰، مرداد ۱۳۸۲: ۲۹-۲۰.
- سودمندی، عبدالمجید (۱۳۹۵) «اجزاء حق آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، نشریه مطالعات حقوقی، دوره هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵: ۱۱۴-۸۷.
- سیدباقری، سید کاظم (۱۳۹۷) «حق آزادی بیان از منظر قرآن کریم»، فصلنامه علوم سیاسی (باقرالعلوم)، سال ۲۱، شماره ۸۱، بهار ۱۳۹۷: ۳۱-۷.
- قاسمی، حمید و رضا فنازاد (۱۳۹۷) حقوق رسانه، تهران: انتشارات اندیشه آرا.
- مرتضایی، سید احمد و سید ابراهیم حسینی (۱۳۹۲) «آزادی بیان و مبانی و گستره آن از دیدگاه فقه و حقوق»، فصلنامه معرفت حقوقی، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۲: ۷۲-۴۹.
- معمدمنزاد، کاظم، (۱۳۷۹) حقوق مطبوعات، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- مقامی، امیر و نادیا عطاران (۱۳۹۸) «موازنه افشای حریم خصوصی خانوادگی چهره‌های مشهور در رسانه‌ها و آزادی بیان در رویه نهادهای قضایی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸: ۳۱۱-۳۳۱.

میرمحمدی، سید مصطفی (۱۳۸۴) «آزادی بیان در آموزه های دینی و حقوق بشر»، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۴۴، مرداد ۱۳۸۴: ۹۴-۱۱۳.

میخلز، رابرت، احزاب سیاسی، ترجمه حسن پویان، نشر چاپخش، چاپ اول، تهران
واچمن، باتریک (۱۳۸۵) «آزادی بیان»، ترجمه محمدحسن حبیبی و رضا شکوهی زاده، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۶ و ۷، زمستان ۱۳۸۵: ۳۱۹-۲۸۹.

Anderson, Benedict. *Imagined Communities : reflections On The Origin And Spread Of Nationalism*, New York, verso, 1991 .

Coleman, John A and miklos tomka. *Mass Media*, London, scm press, 1998 .

Cortright, David. *Peace, A History of Movments and Ideas*, Cambridge, Cambridge university press, 2008 .

Fraser, Nancy, «Rethinking the public sphere :a Contribution to the critique of actually existing democracy» in Simon During , ed. *The Cultural Studies Reader* ,

Goodrich, Leland M. *The United Nations*, Newyork, Thomas crowell, 1959 .

Havel ,Vaclav, «peace : The view from Prague», New York, *Review of books* 32, no.18 (November) 1985 .

Mearsheimer, John j and Stephen M Walt. «an unnecessary war», *Foreign policy*, no.134 (January-February) 1998 .

Morgenthau, Hans j. we are Deluding ourselves in Vietnam, the new York times magazine, 18 april 1965 .Project censored, <http://cc6.com.sfu.ca/economics> march 28, .2005

Shoemaker ,Pamela and Lucig H Danielian. «Deviant Acts, Risks Business and u.s. Interests :the news worthiness of world events», *Journalism Quarterly*, no. 68, winter 1991 .

United Nation: Center For Human Right, *World Public Information Campaign For Human Rights, Human Rights Fact Sheet, No.8*, Geneva, Center For Human Rights, 1989.

Media Law, Freedom of Speech and Human Rights

Akbar Rostami Khorasgani

PhD student in public law,

Isfahan Islamic Azad University (Khorasgan), Isfahan, Iran

akbar.rostamii4660@gmail.com

Abstract

The present research was conducted in order to explain the relationship between media law and human rights and to identify its requirements, obstacles and necessities. For this aim, it was studied documents and sources, the Constitution of the Islamic Republic of Iran and international human rights treaties, principles related to media law and freedom of speech in the Constitution of Iran. In this regard, the requirements of media rights include: comprehensiveness between rights and ranges; generality and media-oriented; Emphasis was placed on union and civil supervision, and compliance with the principles of law writing. And the most important obstacles to freedom of speech in the media were in four fields including: organizational structure; limitation of financial resources; hardware problems; and government interference in media news. According to the findings, the right to freedom of speech has always been recognized for the people both in the Constitution of Iran and in the way of the Prophet of Islam and Imam Ali, and there is for the media, as representatives of public opinion and the fourth pillar of democracy.

Key words: Media, Media Law, Communication Law, Hhuman Rights, Freedom of Speech